

## بررسی ماهیت معنای دستوری در علم صرف روسی\*

سید حسن زهرایی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۲/۲۶

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۵/۳۱

### چکیده

زبان‌شناسان روسی در حوزه علم صرف به بررسی ماهیت «معنای دستوری» پرداخته و سعی می‌کنند تا با یافتن و مطرح ساختن یک سری خصوصیات، معنای دستوری را از سایر معانی - به ویژه معنای لغوی - متمایز سازند. بسیاری از زبان‌شناسان روس، معنای دستوری را یک عنصر دو وجهی می‌دانند که در برگیرنده دو وجه «صورت» و «معنا» است. صورت معنای دستوری را «ابزارهای دستوری صرفی» و «ابزارهای دستوری همنشینی» تشکیل می‌دهند. این زبان‌شناسان همچنین در تعریف خود از معنای دستوری، «انتزاعی یا تعمیمی بودن» را به عنوان مهمترین مؤلفه معنای دستوری معرفی می‌کنند. اما، بررسی‌های زبان‌شناختی مؤید این مطلب است که مؤلفه واقعی در تعیین ماهیت معنای دستوری «اجباری بودن» معنای دستوری است.

واژه‌های کلیدی: معنای دستوری، معنای لغوی، انتزاعی، اجباری، ابزارهای دستوری.

---

\* این مقاله حاصل طرح پژوهشی با عنوان «مطالعه رابطه نحوی حاکمیت در افعال روسی و چگونگی نمود آن در زبان روسی» به شماره ۳۶۳/۳/۹۰۶ است که با اعتبارات دانشگاه تهران انجام پذیرفته است.

## مقدمه

واحد‌های زبانی، از جمله واحد‌های صرفی و نحوی، حداقل بیانگر دو گونه معنای زبانی‌اند: «معنای لغوی»، «معنای دستوری». اگرچه مطالعات مربوط به مفهوم و معنای لغوی واحد‌های زبانی در حوزه‌هایی از زبان‌شناسی به صورت تخصصی همچون «معناشناسی» و «واژه‌شناسی» انجام می‌پذیرد، اما بیان همزمان معنای لغوی و دستوری در ساختار واحد‌های زبانی و رابطه تنگاتنگ میان این دو معنا، زبان‌شناسان را ناگزیر می‌کند که به هنگام بررسی معنای دستوری، نگاهی نیز به ویژگی‌های معنای لغوی داشته باشند. در زبان‌شناسی روسی، بررسی ماهیت معنای دستوری به عنوان یک موضوع خاص، عموماً در حوزه علم صرف انجام می‌پذیرد. ارائه تعریفی جامع و مانع از معنای دستوری و متمایز ساختن آن از معنای لغوی، یکی از موضوعات پیچیده و مورد اختلاف نظر در زبان‌شناسی است. در زبان‌شناسی روسی، نقطه‌نظرهای متفاوتی در باره تعیین و تبیین اصطلاح معنای دستوری وجود دارد. مقاله حاضر سعی دارد تا با بررسی ویژگی‌های معنای دستوری و یافتن مؤلفه‌های واقعی آن، معنای دستوری را از سایر معنای زبانی متمایز سازد.

## بحث و بررسی

خصوصیت «انتزاعی» (абстрактность) یا تعمیمی بودن (обобщённость) معنای دستوری، مهمترین مؤلفه‌ای است که بسیاری از زبان‌شناسان روس با هدف مرزبندی میان معنای لغوی و معنای دستوری به آن اشاره می‌کنند. در همین زمینه، زبان‌شناسان در دائرةالمعارف زبان‌شناسی روسی، موارد ذیل را به عنوان ویژگی‌های اصلی معنای دستوری برمی‌شمارند: انتزاعی بودن، تعمیم یافتن به یک سری گروه‌واژه یا ساختارهای نحوی، بیان شدن به صورت منظم در ساختار زبان (دائرةالمعارف زبان‌شناسی، ۱۹۹۰، ص ۱۱۶). تأکید بر وجود چنین ویژگی‌هایی را می‌توان در آثار دیگر زبان‌شناسان برجسته روس ملاحظه کرد. میل‌سلاوسکی در حوزه علم صرف و در ارتباط با «پایانه صرفی» چنین می‌نویسد: «به بیان دیگر، پایانه‌های صرفی بیانگر آن دسته از معنای انتزاعی‌اند که بیان آن‌ها در ارتباط با گروه خاصی از واژه‌ها اجتناب‌ناپذیر و منظم است. چنین معنایی، معنای دستوری نامیده می‌شوند.»

(دستور زبان معاصر روسی، ۱۹۸۹، ص ۳۸۵). کلابوکوف دیگر زبان‌شناس معاصر روس، ضمن تأکید بر تفاوت میان دو معنای لغوی و دستوری، به دو مورد کلی در ارتباط با مهم‌ترین ویژگی‌های معنای دستوری اشاره می‌نماید. به عقیده وی، اولاً، معنای دستوری بسیار انتزاعی‌اند و در نتیجه قادرند در برگیرنده گروه‌های وسیعی از واژه‌ها باشند، مانند معنای دستوری «نمود» вид که همیشه در ساختار معنایی افعال روسی حاضر است. اما، معنای لغوی، مشخص‌تر از معنای دستوری‌اند و می‌توانند فقط با واژه معینی مرتبط باشند. حتی انتزاعی‌ترین معنای لغوی، از قبیل معنای واژه‌های (бесконечность) به معنای «بی‌انتهای» و скорость به معنای «سرعت» دارای درجه انتزاعی کمتری نسبت به معنای دستوری‌اند. ثانیاً، معنای لغوی توسط ریشه واژه‌ها و معنای دستوری به کمک نشانگرهای صوری ویژه‌ای بیان می‌شوند. به همین دلیل، معنای دستوری اغلب «معنای صوری» (формальные значения) نامیده می‌شوند (دستور زبان ادبیات معاصر روسی، ۱۹۹۹، ص ۱۸۹).

با توجه به نقطه نظراتی که در بالا درباره ماهیت معنای دستوری ارائه شد، می‌توان به دو نکته مهم اشاره کرد: ۱. معنای دستوری، چه به لحاظ ماهیت معنایی خود، و چه به لحاظ نحوه ارائه، از معنای لغوی متمایز می‌شود. ۲. اگرچه در مطالعات زبان‌شناختی، معنای دستوری بیشتر در حوزه علم صرف و در ارتباط با «واژه» مطالعه و بررسی می‌شود، اما باید به یاد داشت که این موضوع نباید موجب این القاء غلط شود، که حوزه نحو و واحدهای نحوی معنای دستوری ندارند. در دائرةالمعارف زبان‌شناسی روسی در خصوص ماهیت معنای دستوری در حوزه علم نحو چنین آمده است: «معنای دستوری در حوزه علم نحو عبارتند از: معنای گزاره‌ای و همچنین معنای مختلف مربوط به اجزای تشکیل‌دهنده گروه‌واژه و جمله، مانند: معنای نهادی، مفعولی، متمم قیدی ...» (دائرةالمعارف زبان‌شناسی، ۱۹۹۰، ص ۱۱۶). متمایز نمودن معنای لغوی از معنای دستوری و بیان نحوه ارتباط آن‌ها با دو حوزه علوم صرف و نحو در یکی دیگر از آثار تحقیقاتی معتبر زبان روسی به صورت زیر بیان شده است: «معنای دستوری در یک عنصر زبانی، با معنای مشخص آن همراه است: در واژه، همراه با معنای لغوی واژه و در جمله، همراه با ساختار معنایی جمله» (زبان روسی، دائرةالمعارف، ۱۹۷۹، ص ۵۹). در مقاله حاضر، ماهیت معنای دستوری در ارتباط با حوزه علم صرف، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

نحوه استنباط زبان‌شناسان روس در ارتباط با مفهوم و ماهیت معنای دستوری در درون علم صرف، به دو گونه متفاوت از یکدیگر است. این تفاوت استنباط با نحوه تعبیر زبان‌شناسان روس از اصطلاح «معنای صرفی» (морфологическое значение) مرتبط است.

در تعبیر اول، زبان‌شناسان معنای صرفی را در مفهوم وسیع آن و به عنوان «معنای تکواژی» در نظر می‌گیرند که در نتیجه، تمامی معانی بیان شده توسط تکواژهای تشکیل‌دهنده واژه را به معنای صرفی نسبت می‌دهند. (دائرةالمعارف زبان‌شناسی، ۱۹۹۰، ص ۳۱۴). بر این اساس، معنای صرفی به سه گروه تقسیم می‌شوند: «معنای لغوی» (лексические значения)، «معنای ساختواژی» (словообразовательные значения)، «معنای دستوری» (грамматические значения). برای مثال، واژه отлетел به معنای «او (مفرد مذکر) پروازکنان دور شد» را در نظر می‌گیریم. در این واژه، مفهوم «دور شدن» یک معنای ساختواژی است که توسط تکواژ от- بیان شده است. مفهوم «پرواز کردن» یک معنای لغوی است که توسط تکواژ лет- بیان شده است. مفهوم «مفرد و مذکر بودن» و همچنین مفهوم «زمان گذشته عمل» از معنای دستوری‌اند که در ساختار واژه فوق، توسط تکواژ -л- و تکواژ صفر (0) بیان شده‌اند. البته، گروهی از زبان‌شناسان که در تعبیر اصطلاح «معنای صرفی» طرفدار نگرش فوق‌اند، گاهی معنای لغوی را جزو معنای صرفی ندانسته و تنها آن دسته از معنای را که توسط «تکواژهای وندي» (аффиксальные морфемы) بیان می‌شوند، به معنای صرفی نسبت می‌دهند (زبان روسی، کتاب درسی، ۲۰۰۰، ص ۹۱).

در تعبیر دوم از اصطلاح معنای صرفی، زبان‌شناسان روس این نوع معنای را در مفهوم محدود آن در نظر می‌گیرند و در نتیجه، معنای صرفی را مترادف آن گروه از معنای دستوری می‌دانند که به کمک «وندهای صرفی» (словоизменяемые аффиксы) بیان می‌شوند.

آن‌گونه که به نظر می‌رسد، اختلاف نظر زبان‌شناسان روس در باره دو تعبیر فوق از مفهوم و ماهیت معنای دستوری، بیشتر جنبه «اصطلاح‌شناختی» دارد تا جنبه مفهومی. گروه اول، با توجه به تعریف و تفسیر خود از «علم صرف»، معنای دستوری را فقط شاخه‌ای از معنای صرفی می‌دانند؛ زیرا بر این باورند که علم صرف، بخشی از زبان‌شناسی است که به بررسی کوچک‌ترین واحدهای معنادر زبان، یعنی «تکواژها» و چگونگی ترکیب شدن آن‌ها با یکدیگر

به منظور ساختن «واژه» می‌پردازد. با توجه به اینکه تکواژها بر اساس معنا و نقش خود به انواع مختلف، یعنی «تکواژهای ریشه‌ای»، «تکواژهای ون‌دی صرفی» و «تکواژهای ون‌دی واژه‌ساز» تقسیم می‌شوند (زهراپی، ۱۳۸۲، ص ۳۶) و واژه‌ها می‌توانند ترکیبی از این سه نوع تکواژ باشند، بنابراین، معانی صرفی واژه‌ها نیز می‌توانند، به ترتیب، بیانگر معانی لغوی، معانی دستوری و معانی ساختواژی باشند.

گروه دوم، علم صرف را بخشی از زبان‌شناسی می‌دانند که به مطالعه ویژگی‌های دستوری کلمات می‌پردازد. بر اساس این دیدگاه، بررسی معانی دستوری واژه‌ها و نحوه بیان معانی دستوری در ساختار واژه‌ها از موضوعات مورد مطالعه در علم صرف‌اند. بنابراین، آنچه که به عنوان «معانی صرفی واژه» توسط این گروه از زبان‌شناسان مطرح می‌شود، همان «معانی دستوری» است.

صرف نظر از اختلاف دیدگاه زبان‌شناسان روس در باره اصطلاحات «معانی دستوری» و «معانی صرفی»، آنچه که بسیار مهم به نظر می‌رسد، تعیین ماهیت معنای دستوری و متمایز ساختن آن از دیگر معانی مربوط به واژه، یعنی «معانی لغوی» و «معانی ساختواژی» است. یکی از رایج‌ترین تعاریفی که در علم صرف روسی در باره ماهیت معنای دستوری ارائه می‌شود، عبارت است از: معنای انتزاعی که به کمک یک سری ابزارهای دستوری یا اصطلاحاً، «صورت‌های دستوری» بیان می‌شوند (زبان روسی، صرف، ۱۹۵۲، ص ۲۸؛ دستور زبان روسی، ۱۹۸۰، ص ۴۵۳؛ دستور زبان ادبیات معاصر روسی، ۱۹۹۹، ص ۱۹۰). بنابراین، آن‌گونه که از تعریف فوق بر می‌آید، معنای دستوری عنصر دوجوهی است که یک وجه آن، مفهوم و معنای بیان شده و وجه دیگر آن، صورت بیان این معناست. البته، خاصیت دوجوهی بودن فقط مختص به معنای دستوری نیست. این موضوع را می‌توان در ارتباط با بسیاری از دیگر مقوله‌های زبانی، همچون معنای لغوی واژه‌ها و مفهوم و معنای جملات، مشاهده کرد. مثلاً، مفهوم و معنای لغوی «آبی رنگ» در واژه синий به معنای «آبی» به کمک صورت ریشه این واژه، یعنی син- بیان شده است. بخش‌های دیگر این واژه بیانگر، نوع دیگری از معانی، یعنی «معانی دستوری» اند.

صورت‌ها یا ابزارهای دستوری که برای بیان معنای دستوری به کار می‌روند، دو گروه‌اند:

ابزارهای دستوری صرفی یا جانیشینی (парадигматический)، ابزارهای دستوری همنشینی (синтагматический).

مقصود از ابزارهای دستوری صرفی، صورت‌ها یا نشانگرهای دستوری‌اند که در ساختار واژه ظاهر می‌شوند و شکل‌های دستوری یا صرفی مختلف یک واژه را می‌سازند. یعنی، معانی دستوری به کمک ابزارهای دستوری‌ای بیان می‌شوند که در ساختار واژه تعبیه شده‌اند. استفاده از ابزارهای دستوری صرفی در زبان‌های تصریفی، مانند زبان روسی، بسیار متداول است. اکثر واژه‌های روسی بر اساس میزان بر خوداریشان از معانی دستوری مختلف، قادرند به کمک ابزارهای دستوری صرفی، یک «مجموعه شکل‌های صرفی» تشکیل دهند. تعداد اعضای مجموعه شکل‌های صرفی واژه‌ها متفاوت است. تعداد اعضای هر مجموعه معمولاً به موجب نوع و تعداد معانی دستوری‌ای که واژه مورد نظر قادر به بیان آن است، مشخص می‌شود. افعال در زبان روسی، با توجه به ویژگی‌های دستوری خود، دارای بزرگ‌ترین مجموعه شکل‌های صرفی‌اند. به عنوان مثال، فعل читать به معنای «مطالعه کردن»، با توجه به معانی دستوری، از قبیل «زمان»، «شخص»، «شمار»، «جنس»، «وجه»، «نمود» و «معلوم-مجهول»، دارای شکل‌های صرفی ذیل‌اند:

читаю, читаешь, читает, читаем, читаете, читают; читать  
буду читать, будешь читать, будет читать, будем читать, будете читать.  
читал, читала, читало, читали; будут читать, читай, читайте, пусть  
читает, читают, пусть читают, читаем! читал бы, читала бы, читало бы, читали бы  
читающий; бы читающий (در کلیه شکل‌ها به لحاظ حالت، شمار و جنس)، читавший (در کلیه  
شکل‌ها به لحاظ حالت، شمار و جنس)، читаемый (در کلیه شکل‌ها به لحاظ حالت، شمار  
و جنس)، читая.

تعداد اعضای یک مجموعه شکل‌های صرفی فعل در زبان روسی، می‌تواند به ۲۳۵ عضو برسد. از سوی دیگر، در زبان روسی واژه‌هایی وجود دارند که مجموعه شکل‌های صرفی آن‌ها صفر است. این واژه‌ها را واژه‌های صرف‌نشده تشکیل می‌دهند که به موجب ویژگی‌های دستوری تغییر شکل نمی‌یابند، مانند، واژه‌های пальто به معنای «پالتو» و кофе به معنای

«قهوه». البته تغییر شکل نیافتن این گونه واژه‌ها بدین معنا نیست که این واژه‌ها قادر به بیان معانی دستوری مختلف نیستند. اعضای مجموعه شکل‌های صرفی این گونه واژه‌ها را باید یک سری واژه‌های متشابه دانست که هر یک از آن‌ها به لحاظ بیان نوع معنای دستوری با دیگری متفاوت است. به عنوان مثال، می‌توان به شکل‌های متشابه واژه пальто در ارتباط با انواع مختلف معنای دستوری «حالت» اشاره کرد: пальто (حالت نهادی)، без пальто (حالت اضافی)، к пальто (حالت به‌ای)، на пальто (حالت مفعول مستقیم)، с пальто (حالت بایی)، о пальто (حالت حرف اضافه‌ای).

ابزارهای دستوری صرفی به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته از آن‌ها وندهای صرفی‌اند که به آغاز و یا پایان واژه می‌پیوندند و شکل‌های صرفی واژه را می‌سازند. شکل‌های صرفی‌ای که به کمک وندهای صرفی ساخته می‌شوند، «شکل‌های صرفی ترکیبی» (синтетические словоформы) نامیده می‌شوند. مثلاً، در واژه‌های книга به معنای «کتاب» و прочитала به معنای «او (مؤنث) خواند»، پسوند -а نشانگر معنای دستوری «جنس مؤنث» و پیشوند про- نشانگر معنای دستوری «نمود کامل» اند.

دسته‌ای از ابزارهای دستوری صرفی را یک سری کلمات کمکی تشکیل می‌دهند که به واژه نمی‌چسبند و در کنار آن قرار می‌گیرند. شکل‌های صرفی‌ای که به وسیله کلمات کمکی ساخته می‌شوند، «شکل‌های صرفی تجزیه‌ای» (аналитические словоформы) نامیده می‌شوند. نقش کلمات کمکی در شکل‌های صرفی تجزیه‌ای مانند نقش وندهای صرفی در ساختار شکل‌های صرفی ترکیبی است. مثلاً، معنای دستوری «زمان آینده» در شکل صرفی فعلی буду читать به معنای «خواهم خواند» به وسیله کلمه کمکی буду بیان شده است. اما، همین معنای دستوری «زمان آینده» در شکل نمود کامل فعل читать - مانند прочитаю به معنای «خواهم خواهند» - به صورت شکل صرفی ترکیبی بیان می‌شود. برخی از واژه‌ها در ارتباط با یک نوع معنای دستوری، دارای هر دو نوع شکل صرفی فوق‌اند. دو واژه сильнейший و самый сильный را که هر دو به معنای «قوی‌ترین» اند، مقایسه می‌کنیم. درجه مقایسه عالی در واژه сильнейший به وسیله پسوند -ейш- و در واژه самый сильный توسط کلمه کمکی самый بیان شده است.

مقصود از ابزارهای دستوری همنشینی، آن نوع روش بیان معنای دستوری است که به موجب آن، معنای دستوری در یک واژه در خارج از محدوده ساختاری آن و به کمک همنشینی و رابطه‌اش با یک واژه دیگر نمود می‌یابد. مثلاً، واژه такси به معنای «تاکسی» از واژه‌های صرف نشدنی است که دارای مجموعه شکل‌های صرفی صفر است. بنابراین، معنای دستوری در این واژه نمی‌تواند توسط ابزار دستوری صرفی بیان شوند. معنای دستوری در این واژه به کمک ابزارهای دستوری همنشینی - یعنی به کمک همنشینی و ایجاد رابطه نحوی میان این واژه با واژه‌های دیگری، از قبیل «صفات»، «ضمایر ملکی» و دیگر واژه‌های صفت‌گونه - بیان می‌شوند. الزام در به کارگیری شکل مفرد خنثای صفات در ترکیب با واژه такси نشانگر این است که واژه такси نیز در شکل مفرد دارای ویژگی دستوری «جنس خنثی» است: желтое такси به معنای «تاکسی زرد رنگ». به کارگیری شکل جمع صفات در ترکیب با واژه такси می‌تواند نشانگر این باشد که واژه такси در اینجا، دارای ویژگی دستوری «شمار جمع» است: желтые такси به معنای «تاکسی‌های زرد رنگ».

معنای دستوری در ارتباط با واژه‌هایی که مجموعه شکل‌های صرفی آن‌ها صفر نیست، می‌تواند همزمان به کمک هر دو گروه ابزارهای دستوری - یعنی ابزارهای دستوری صرفی و همنشینی - بیان شوند. به عنوان مثال، معنای دستوری «شمار مفرد» و «جنس مؤنث» در واژه книга به معنای «کتاب»، هم به کمک تکواژ a- و هم به واسطه امکان ترکیب این واژه با شکل جنس مؤنث صفات بیان می‌شوند: русская книга به معنای «کتاب روسی». استفاده از ابزارهای دستوری همنشینی در ارتباط با واژه‌هایی که دارای مجموعه شکل‌های صرفی صفراند، تنها وسیله بیان معنای دستوری به شمار می‌آیند.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، تعیین ماهیت معنای دستوری از نکات بسیار مهم و قابل توجه زبان‌شناسان روس است. مهمترین سؤالی که می‌تواند در ارتباط با ماهیت معنای دستوری مطرح شود، این است که آیا «انتزاعی بودن» می‌تواند به عنوان یک مؤلفه قطعی و تعیین‌کننده در شناخت و تعریف معنای دستوری در نظر گرفته شود؟ برای پاسخگویی به این سؤال، جمله زیر را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

Я купила русскую книгу

من (مؤنث) کتاب روسی خریدم

از نظر معنای لغوی، جمله بالا بیانگر واقعه‌ای است که در آن، فرد گوینده و کتاب روسی دارای نقش‌اند. به لحاظ معنای دستوری، ساختار جمله و واژه‌ها بیانگر معانی فوق‌اند: فرد گوینده مؤنث است؛ واقعه مربوط به زمان گذشته است؛ از نظر تعداد، کتاب خریداری شده یک عدد است.

در توجیه دلایل متمایز ساختن معانی دستوری از معانی لغوی در جمله بالا، شاید بتوان به ویژگی «انتزاعی بودن» معانی دستوری استناد کرد. بی‌شک، معانی مشخص و معینی از قبیل، «نوع کتاب»، یعنی «اشاره به روسی بودن کتاب» جزو معانی لغوی به شمار می‌آیند. اما، لازم است به این نکته توجه شود که معانی انتزاعی بسیاری در زبان وجود دارند که جزو معانی دستوری نیستند. به عنوان مثال، بسیاری از پیشوندهای واژه‌ساز روسی که بر سر افعال می‌آیند و معانی لغوی‌ای را به معنای اصلی فعل می‌افزایند، از ویژگی «انتزاعی یا تعمیمی بودن» برخوردارند. مانند، پیشوند *при-* که به ابتدای افعال حرکتی مختلف می‌چسبد و معنای «رسیدن به مقصد» را بیان می‌کند. ممکن است بتوان اظهار کرد که «انتزاعی بودن» یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های معنای دستوری است، اما نمی‌توان به تنهایی به آن نقشی تعیین‌کننده در تعریف و تعیین ماهیت معنای دستوری داد. از سوی دیگر، برخی از معانی انتزاعی که در یک زبان «دستوری» اند، می‌توانند در زبانی دیگر وجود نداشته باشند یا «غیر دستوری» به شمار آیند. مانند، معنای دستوری «جنس مؤنث» که توسط فعل *купила* به معنای «خریدم» در مثال بالا، در جمله روسی بیان شده است، اما این معنای دستوری در ترجمه فارسی وجود ندارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که برای تعیین «دستوری بودن» یک معنا، نباید به انتزاعی یا غیرانتزاعی بودن آن استناد جست و یک معنا را به عنوان معنای دستوری یا غیر دستوری به تمامی زبان‌ها نسبت داد، بلکه باید مجموع خصوصیات دیگری، به ویژه نحوه عملکرد معنا را در حیطه یک زبان مشخص مورد توجه قرار داد. به لحاظ نحوه عملکرد، بیان معنای دستوری «جنس» در زبان روسی در ارتباط با شکل گذشته افعال اجباری است. در مثالی که آورده شد، یک سری مفاهیم و معانی وجود دارند که توسط گوینده، با هدف و انگیزه‌ای مشخص و به صورت اختیاری بیان شده‌اند، مانند مفاهیم «خریدن»، «کتاب»، «روسی». اما در کنار این مفاهیم اختیاری، مفاهیم و اطلاعاتی وجود دارند که گوینده با توجه

به ساختار زبانی خود، ناگزیر به بیان آن‌ها است. مانند، بیان معنای دستوری «جنس مؤنث» در شکل گذشته فعل *купила* که نشانگر مؤنث بودن گوینده است؛ همچنین، بیان معنای دستوری «حالت مفعول غیر مستقیم» در شکل واژه *книгу* به معنای «کتاب» که نشانگر مفعول بودن این واژه در جمله است. این نوع معانی اجباری «معانی دستوری» محسوب می‌شوند. با توجه به آنچه که بیان شد، می‌توان خصوصیت «اجباری بودن» را به عنوان یک مؤلفه واقعی در تعیین ماهیت «معنای دستوری» برای متمایز ساختن آن از دیگر معانی زبانی در نظر گرفت. یک روسی‌زبان به هنگام استفاده از شکل صرفی فعل در گفتار، ناگزیر به بیان ویژگی دستوری «زمان» در ساختار فعل است؛ یا به هنگام استفاده از اسم، ناگزیر به بیان ویژگی دستوری «حالت» در ساختار اسم است. بنابراین، دستور یک زبان را می‌توان در برگیرنده مجموعه‌ای از معانی دانست که فرد گوینده به آن زبان، به هنگام بیان صحیح یک مطلب، ناگزیر به بیان آن‌ها است.

### نتیجه‌گیری

- ۱- اگر چه موضوع معنای دستوری در زبان روسی بیشتر در حوزه علم صرف مطرح شده است، اما این نوع معانی را می‌توان در حوزه علم نحو نیز مشاهده کرد.
- ۲- معنای دستوری دارای دو وجه است: معنا، صورت. صورت معانی دستوری را دو گروه ابزارهای دستوری تشکیل می‌دهند. گروه اول، ابزارهای دستوری صرفی‌اند که در ساختار واژه ظاهر می‌شوند و شکل‌های صرفی مختلف یک واژه را می‌سازند. گروه دوم، ابزارهای دستوری همنشینی‌اند که به موجب آن‌ها، معنای دستوری در یک واژه، خارج از محدوده ساختاری آن و به کمک همنشینی و رابطه‌اش با یک واژه دیگر بیان می‌شود.
- ۳- «انتزاعی یا تعمیمی بودن» یکی از ویژگی‌های مهم معنای دستوری است. اما، آنچه که موجب متمایز شدن معنای دستوری از سایر معانی زبانی در یک زبان می‌شود، ویژگی «اجباری بودن» آن است.

منابع

- ۱- زهرایی، سید حسن، *خاصیت ترکیب پذیری کلمات در ساختار گروه‌واژه‌های روسی*، مجله پژوهش زبانهای خارجی، شماره ۱۵، انتشارات دانشگاه تهران، پائیز و زمستان ۱۳۸۲.
- 2- Белошапкова, В.А., *Современный русский язык*, Москва, 1989.
- 3- Виноградов, В.В., *Современный русский язык: Морфология*, Москва, 1952.
- 4- Земский, А.М., *Русский язык: Учебник, Часть 1.*, Москва, 2000.
- 5- Лекант, П.А., *Современный русский литературный язык*, Москва, 1999.
- 6- Лингвистический энциклопедический словарь, Москва, 1990.
- 7- Филин, Ф.П., *Русский язык: энциклопедия*, Москва, 1979.
- 8- Шведова, Н. Ю., *Русская грамматика*, Т.І., АКАДЕМИЯ НАУК СССР, ИНСТИТУТ РУССКОГО ЯЗЫКА, Москва, 1980.